



صفحه از: علیرضا بهرامی

صفحه آخر

■ همشهری آنلاین: www.hamshahronline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ مدیرین: دانیال معمار
■ دبیر تحریریه: شهرام فرهنگتی
■ معاونان سردبیر: علی عمادی، شاهین امین
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سلامی
■ دبیر عکس: امیر یحیور

■ **سیاسی و دیپلماتیک:** مدیر: حسین ارچلو
■ **شهرنگار:** مدیر: پروانه بهرام یزداد
■ **دبیر:** مریم باقریور

■ **اقتصاد:** مدیر: حسین لطفی
■ **تماشاگر:** مدیر: امیر محمد یعقوب پور
■ **دیورالی:** خرسند

■ **گزارش:** مدیر: فهیمه طباطبایی

■ **سرزمین من:** مدیر: سیده زهرا عباسی
■ **دیور:** زهرا فریعی

■ **تندرستی:** مدیر: جواد نصرتی
■ **دیور:** مریم، سرخوش

■ **سرنخ:** مدیر: جواد عزیزی
■ **دیور:** محمد جعفری

■ **دانشتیه:** مدیر: ساسان شادمان
■ **دیور:** زهرا خاجی

■ **جامعه:** مدیر: مسعود میر
■ **دیور:** فاطمه عسگری، نیا

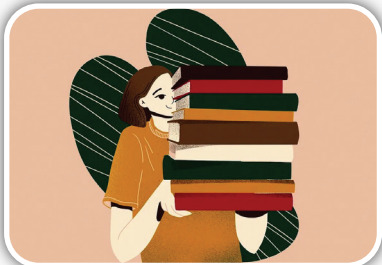
■ **سرمه:** مدیر: عباسی محمدی
■ **دیور:** قرام شیرزادی

■ **طرح و گرافیک:** مدیر: محمد علی حلیمی

■ **سردبیر آنلاین:** سید مجتبی صادقی
■ **معاونان آنلاین:** کامران یارچی، حامد فوقانی
■ **مدیر محتوای تلویزیون:** اسماعیل سلطنت پور
■ **مدیر چند رسانه ای:** زهرا اسادات بهشتی
■ **مدیر بخش زنده:** امیر حسین محمد دوست
■ **مدیر تولید تلویزیون:** الهه سادات بهشتی
■ **مدیر فضای مجازی:** محمد حسین امیری

کتاب خور

من هم یک مروج کتاب هستم!



برای ترویج فرهنگ مطالعه، امروز، یعنی ۲۴ آبان را روز کتاب نامیده‌اند و وزارت ارشاد، دانشگاه‌ها و مدارس سراسر کشور برای نشر عادت مردم به مطالعه در این روز و این هفته، حتما برنامه‌های ویژه‌ای تدارک دیده‌اند. اما چرا ما علاقه‌مندان به این یار مهربان، باید دست‌روی دست بگذاریم و فقط منتظر شویم تا این اتفاق حیاتی، صرفا به شکل رسمی و جمعی انجام شود؟ چرا برای ترویج فرهنگ کتابخوانی، تنها باید صبر کنیم تا مثلاً عضو گروهی مردم‌نهاد شویم که مروج کتاب‌اند و سپس دست به کار شویم و برای بالا بردن رسم کتابخوانی قدمی برداریم؟

بد نیست بدانیم براساس همان ضرب‌المثل مشهور قطره قطره جمع گردد، وانگهی دریا شود، می‌توانیم با روش‌هایی ساده، ترویج فرهنگ مطالعه را میان خانواده، دوستان و آشنایان خودمان شروع کنیم و اطمینان داشته باشیم، روزی این حرکت فرهنگی قطر‌های ما به دریایی خروشان بدل خواهد شد که می‌تواند جامعه ما را به سرزمینی با سرنه مطالعه بالاتر بدل کند.

اگر از امروز تصمیم بگیریم در جمع‌های خانوادگی یا در میان همکارانمان در فرصتی مناسب و فقط چند کلمه درباره آخرین کتابی که خوانده‌ایم، حرف بزنیم، اطمینان داشته باشیم که برای ترویج کتابخوانی کار بزرگی انجام داده‌ایم. یا اگر بشود با زبانی ساده، کتابی را هم نقد کنیم و متن یا ویدئوی آن را در شبکه‌های مجازی به اشتراک بگذاریم که نور علی نور است، روش‌های دیگری نیز مثل هدیه‌دادن کتاب، جا گذاشتن کتابی که خوانده‌ایم آن هم در مکان‌های عمومی، نذر کتاب برای کتابخانه‌های مدارس و روش‌های خلاقانه فردی دیگری از این دست، حتما سرنه مطالعه را در کشور بیش از گذشته بالا خواهد برد.

دور دنیا

«نه» گفتن یا «زدان»؟

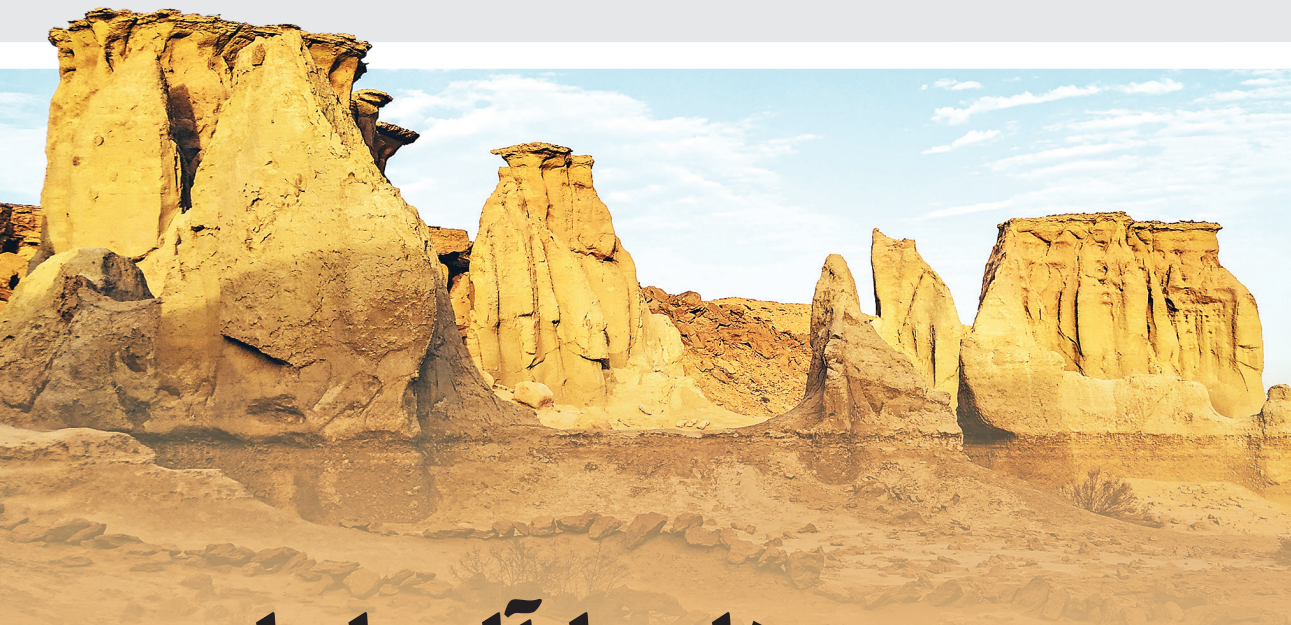


گاهی گفتن یک «نه» ساده، می‌تواند مانع بروز هزاران مشکل پیچیده شود و البته نداشتن این توانایی، گاهی زندگی را با چالش‌های جدیدی مواجه خواهد کرد. نمونه‌اش همین چند روز پیش رخ داده‌وقتی که یک مرد روسی، چون نمی‌توانست برای همراهی همسرش به یک مرکز خرید به او نه بگوید، مجبور شد دست به اقدامی عجیب بزند و سرقت خودروی خود را صحنه‌سازی کند و خودش را به دردمسر بیندازد. این ماجرا در شهر کراسنویارسک، در سیبری روسیه رخ داد و پلیس پس از بررسی‌های دقیق دریافت که ماجرا چیزی جز یک بی‌پناه‌سازی مضحک نبوده است. مدتی پیش همسر این مرد با پلیس تماس گرفت و گزارش داد که خودروی توپوتا کراولا همسرش از پارکینگ منزلشان به سرقت رفته است. کمی بعد دوباره تماس گرفت و گفت خودرو را در جزیره «آندیکا» پیدا کرده‌اند. مأموران پس از حضور در محل، نشانه‌هایی از ورود اجباری و تخریب یخش‌هایی از خودرو را مشاهده کردند. اما در جریان بازجویی، تناقضی‌های فراوان در روایت مرد باعث شد پلیس به او مشکوک شود. بررسی‌های بیشتر نشان داد که او عمدا خودروی خود را تخریب کرده تا وانمود کند قربانی سرقت شده است. انگیزه اصلی نیز بسیار غیرمنتظره بود. قرار از خرید با همسر جان!

این اقدام اما برای مرد روسی پیامدهای جدی حقوقی به همراه داشت. براساس ماده ۳۰۶ قانون کیفری روسیه، «گزارش دروغین آگاهانه» جرم محسوب می‌شود و مجازات آن می‌تواند تا ۲ سال زندان باشد. اکنون این مرد با وجود نداشتن سابقه کیفری، با پرونده‌ای قضایی و ممنوعیت خروج از کشور روبه‌روست. بد نیست بدانید اتفاق‌های مشابه این حادثه، بسیار در جهان رخ می‌دهند که بسیاری از آنها رسانه‌ای نخواهند شد. مثلاً در آلمان مردی برای فرار از شرکت در جلسه خانوادگی، به پلیس خبر دروغین درباره بمب‌گذاری داد و به سرعت دستگیر شد. یا در ایالات متحده فردی برای اجتناب از رفتن به محل کار، نبوده شدن خود را جعل کرد و پس از کشف حقیقت، با اتهام «گزارش دروغین» مواجه شد. در هند نیز مردی برای فرار از ازدواج اجباری، ناپدید شدن خود را صحنه‌سازی کرد و چند روز بعد توسط پلیس پیدا و البته دستگیر شد. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که برخی افراد برای فرار از موقعیت‌های ناخوشایند، به جای نه گفتن یا گفت‌وگو صادقانه، راه‌های پرخطر و غیرقانونی را انتخاب می‌کنند که باید تبعات حقوقی آن را هم بپذیرند.

سرزمین‌های رازآلود ایران

آشنایی با چند مقصد گردشگری شگفت‌انگیز در گوشه و کنار ایران



فاطمه عباسی | روزنامه‌نگار | گاهی وقت‌ها زمین، قصه‌گوی بهتری از کتاب‌هاست. قصه‌هایی را نه با کلمات که با رنگ، خاک و سنگ روایت می‌کند؛ داستان‌هایی چنان عجیب که مرز میان واقعیت و رویا را محو می‌کنند. تصور کنید در سیستان و بلوچستان قدم می‌زنید اما حس می‌کنید روی خاک سرخ مریخ ایستاده‌اید، یا در جنوب به تالابی برمی‌خورید که گویی در آن شفق قطبی حل شده و به رنگ صورتی درآمده است. اینها صحنه‌هایی از یک فیلم علمی-تخیلی نیستند؛ اینها نقاط شگفت‌انگیز سرزمین ما



کوه‌های مریخی چابهار

قدیم زدن روی سیاره‌های دیگر اینجا زمین نیست؛ در مسیر چابهار به گوآتر، رشته‌کوه‌هایی با شباهت‌های منظم و رنگ تفرای-خاکستری، منظره‌ای کاملاً فرازمینی خلق کرده‌اند. این کوه‌ها که بر اثر فرسایش چند میلیون ساله به‌وجود آمده‌اند، هیچ شباهتی به کوه‌های زمینی ندارند و حس قدم زدن روی سطح سیاره مریخ را به بیننده القا می‌کنند.

دره ستارگان قشم

باغی از تندیسی‌های بی‌گانه افسانه‌های محلی می‌گویند: این دره با سقوط یک ستاره شکل گرفته است. ستون‌ها و دیوارهای فرسایش‌یافته آن، اشکالی عجیب و غریب شبیه صورت انسان، حیوانات و موجودات خیالی ساخته‌اند. قدم زدن در سکوت این دره، به‌ویژه هنگام غروب به مانند بازدید از یک موزه در سیاره‌ای ناشناخته است.

تالاب لیبار چابهار

تالابی رقان‌ش صورتی‌رنگ طبیعت یک روسا به رنگ صورتی! این تالاب شگفت‌انگیز به دلیل وجود پلانکتون‌ها و باکتری‌های خاص، به رنگی باورنکردنی درآمده است. تضاد رنگ صورتی آب با خاک و درختچه‌های اطراف، منظره‌ای سورئال و بی‌نظیر خلق کرده که آن را به یکی از تنها چند تالاب صورتی مشهور در جهان تبدیل بی‌عدالتی تبدیل شده است.

باغ سنگی سیرجان

اعتراض خاموش درویش‌خان این باغ، میوه‌هایش از جنس سنگ و سکوت است. درویش‌خان اسفند یار پور پس از، از دست دادن زمین‌هایش، به نشانه اعتراض سنگ‌هایی را از شاخه‌های خشک درختانش آویزان کرد. این باغ عجیب که حاصل یک درد و خلاقیت منحصر به فرد است، امروز به نمادی رازآلود از استقامت یک مرد در برابر بی‌عدالتی تبدیل شده است.

دریاچه کلوت شهداد

آینه‌ای در قلب خشکی مطلق در یکی از گرم‌ترین و خشک‌ترین نقاط جهان یعنی کویر لوت، ناگهان آینه‌ای وسیع از آب پدیدار می‌شود. این دریاچه موقت که پس از بارندگی‌های نادر در دل کویر لوت شکل می‌گیرد، با انعکاس کلوت‌های باشکوه، یک پارادوکس طبیعی و منظره‌ای جادویی خلق می‌کند که عقل و منطق را به چالش می‌کشد.

روستای صخره‌ای میمند

زندگی بر مدار آب و یارو اینجا زمان متوقف شده است. خانه‌های این روستا نه ساخته، بلکه در دل صخره‌ها کنده شده‌اند و قدمت آن به هزاران سال پیش بازمی‌گردد. راز آمیز بودن میمند روی آب تالاب شادگان بنا شده‌اند است که حضور توانسته‌اند با ابزارهای ابتدایی، چنین سکونتگاه شگفت‌انگیز و پایداری را در دل کوه خلق کنند.

غار نمکدان قشم

سفری به اعماق بلورین زمین طولانی‌ترین غار نمکی جهان، شمارا به دنیایی از قندیل‌های بلورین و دیوارهای درخشان نمک می‌برد. هوای داخل غار و سکوت عمیق آن، حسی غیرزمینی دارد. راز این غار در عظمت پنهان آن و زیبایی خیره‌کننده‌ای است که میلیون‌ها سال در زمین محفوظ مانده و تنها بخش کوچکی از آن کشف شده است.

منارجنبان اسفهان

رقص آجرها به دست مجاری کهن یک شگرد مهندسی ۷۰۰ ساله! با تکان دادن یک مناره، مناره دیگر و کل ایوان به لرزه درمی‌آید. با اینکه امروز دلیل علمی آن (پدیده تشدید) مشخص است، اما نبوغ معماران دوره ایلخانی در خلق چنین سازه دینامیکی و دقیقی، همچنان یک شگرد جذاب برای بازدیدکنندگان باقی مانده است.

روستای شهرآباد (دوقلوا)

سرزمین آدم‌های نگرانی وارد روستایی می‌شوید که در آن مدام احساس می‌کنید دچار دوبینی شده‌اید؛ در روستای شهرآباد آب کوه، به دلیل ازدواج‌های فامیلی، نرخ تولد دوقلواها بسیار بالاست. قدم زدن در کوچه‌های این روستا و دیدن چهره‌های هسان متعدد، تجربه‌ای عجیب و سورئال، شبیه ورود به یک فیلم فانتزی است.

روستای سراخیه (ونیز ایران)

تصور کنید برای رفتن به خانه همسایه باید سوار قایق شوید. در روستای سراخیه خوزستان، خانه‌ها به دلیل ازدواج‌های فامیلی، نرخ تولد دوقلواها بسیار بالاست. قدم زدن در کوچه‌های این روستا و دیدن چهره‌های هسان متعدد، تجربه‌ای عجیب و سورئال، شبیه ورود به یک زندگی روستایی ارائه می‌دهد.

روستای درک

پوسه‌گویر بر پیشانی دریا جایی که ۲ دنیای متضاد به هم می‌رسند. در ساحل درک، رمل‌های طلایی و نرم کویر، خود را به آغوش آب‌های نیلگون دریای عمان می‌سپارند. این تلاقی ناممکن و بی‌نظیر، منظره‌ای بساک، بکر و به‌شدت شاعرانه خلق کرده که زیبایی آن به رازآلودگی و شگفتی پهلوی می‌زند.

دهکده چوبی نیشابور

روایی که از چوب ساخته شد یک دهکده کامل که از کتاب قصه‌ها بیرون آمده است؛ مسجد، رستوران، کتابخانه و خانه‌های این مجموعه از چوب ساخته شده‌اند و در برابر زلزله مقاوم هستند. این دهکده که حاصل رویای یک مهندس خلاق است، با عطر چوب و معماری بی‌نظیرش، فضایی گرم، صمیمی و رازآلود دارد.

هشتگ

نوستالژی ۲۰۰ تومانی در کلکسیون جهانی



به تازگی، ویدئویی از یک کلکسیون خارجی در فضای مجازی منتشر شد که گویی نسخه مصور آهنگ معروف «کشورهای جهان» بود؛ سفری سریع به دور دنیا از طریق اسکناس‌های ۲۱۷ کشور. در میان صدها طرح و رنگ متنوع از سراسر گیتی، این یک اسکناس سرخ رنگ و آشنا بود که توجه کاربران ایرانی را به خود جلب کرد و موجی از خاطرات را به راه انداخت؛ اسکناس ۲۰۰ تومانی با طرح نمادین نماز جمعه دانشگاه تهران.

این اسکناس برای بسیاری از ایرانیان، فراتر از یک واحد پولی قدیمی، یک ماشین زمان کوچک بود. دیدن آن در کنار پول‌های رایج از پرو، کانادا، مغولستان یا زامبیا، ناگهان خاطرات کودکی، عیدی گرفتن از پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها و ارزش پول توجیبی‌های دهه ۶۰ و ۷۰ را زنده کرد. در نظرات کاربران، بحث نه بر سر ارزش مالی، که بر سر بار عاطفی و تاریخی این قطعه کاغذ بود.

جالب اینجا بود که چطور یک تکه کاغذ ساده، از قاره‌ای به قاره دیگر سفر کرد تا ۲ دنیای کاملاً متفاوت را به هم گره بزند. آن کلکسیونر احتمالا می‌خواست نظم و گسست‌زدگی مجموعه‌اش را به نمایش بگذارد و از هر کشور، نمادی داشته باشد. اما برای مخاطب ایرانی، آن اسکناس قرمز، یک داستان کاملاً شخصی را تعریف کرد؛ داستانی از گذشته‌ای نه چندان دور. در شلوغی آن میز که پر از پول‌های رنگارنگ و غریبه بود، همین ۲۰۰ تومانی ساده و آشنا به ما یادآوری کرد که گاهی یار ارزش‌ترین دارایی‌ها، نه در آلبوم‌های کلکسیونرها، که در صندوقچه خاطرات مشترک ما نگهداری می‌شوند.

عکس خانه

برف پارسال، عطش امسال



همین پاییز سال گذشته بود که مه‌باد، رخت سس‌فید برف بر تن کرده بود و منظره‌ای کاملاً زمستانی را در دل پاییز به نمایش می‌گذاشت. آن برف سنگین و زود هنگام پاییزی، نویدبخش زمستانی پر بار و سدی لبریز از امید برای سال پیش رو بود. کمتر کسی گمان می‌کرد که حافظه طبیعت تا این حد کوتاه باشد و آن سپیدی، تنها در عرض یک سال جای خود را به خشکی مطلق بدهد.

اما تصویر امروز، در پاییز ۱۴۰۴، روایتی کاملاً متفاوت و نگران‌کننده دارد. سد مه‌باد با بستر خشک و زود هنگام پاییزی، نویدبخش زمستانی پر بار و سدی لبریز از امید برای سال پیش رو بود. کمتر کسی گمان می‌کرد که حافظه طبیعت تا این حد کوتاه باشد و آن سپیدی، تنها در عرض یک سال جای خود را به خشکی مطلق بدهد.

اما تصویر امروز، در پاییز ۱۴۰۴، روایتی کاملاً متفاوت و نگران‌کننده دارد. سد مه‌باد با بستر خشک و زود هنگام پاییزی، نویدبخش زمستانی پر بار و سدی لبریز از امید برای سال پیش رو بود. کمتر کسی گمان می‌کرد که حافظه طبیعت تا این حد کوتاه باشد و آن سپیدی، تنها در عرض یک سال جای خود را به خشکی مطلق بدهد.